

سبک زندگی قرآنی

(راهکارهای برون رفت جامعه اسلامی از مصرف گرائی و اسراف)

حجت الاسلام محمد اسماعیل عبداللهی^(۱)

چکیده:

در قرآن کریم حدود ۱۳ بار کلمه «اسراف» با الفاظ گوناگون به کار رفته است. در بسیاری از کتاب‌های اخلاقی خوگیری نفس انسان با صفات برجسته اخلاقی نقطه آغاز حرکت انسان به سمت کمال حقیقی آسمانی به شمار می‌رود که از جمله این صفات برجسته می‌توان به قناعت‌پذیری و قانع بودن به موهبت‌های خداوندی اشاره کرد. در آموزه‌های قرآن و عترت مساله قناعت و صرفه جویی و پرهیز از اسراف یک مساله تاثیر گذار در جامعه محسوب می‌شود و اهمیت آن به حدی است که این مقوله به عنوان یک فضیلت همواره مورد تشویق قرار گرفته است. اسراف در قرآن کریم تنها به معنای درست مصرف نکردن نعمتهای خدادادی نیست بلکه در امور مختلفی همچون خودخواهی و زیاده خواهی انسان‌ها نیز بکار رفته است، آنجا که در سوره قصص در خصوص اعتقاد فرعون به ربوبیت خودش می‌فرماید: «که برای شما خدایی نمی‌شناسم» و خداوند به فرعون در سوره یونس اینگونه پاسخ می‌دهد: «و فرعون برتری طلبید در زمین و پروردگار عالم او را از مسرفین خواند.» موضوع صرفه جویی به قدری در اسلام دارای اهمیت است که علمای اخلاق تاکید می‌کنند سزاوار است مومن در امور مباح از جمله خواب، بیداری، حرف زدن و خوردن نیز اسراف نکند. در نکوهش اسراف و تبذیر و ارزش و جایگاه میانه روی و بهره‌گیری صحیح از نعمت‌های الهی در آیات قرآنی و روایات اسلامی سخن فراوان به بیان آمده است. از مجموع آیات و روایات چنین بر می‌آید که اسراف و تبذیر همواره مورد نکوهش بوده و در ردیف یکی از ناپسندیده ترین کارها قرار دارد که هیچ گاه انسان را به سمت سعادت‌مندی سوق نخواهد داد و در آخرت نیز عذابی دردناک به همراه دارد. از این رو شایسته است تا تاملی عمیق به آنچه در قرآن کریم مبنی بر بهره‌گیری صحیح و اصولی از نعمت‌های الهی، و راهکارهای عملی برای برون رفت از مصرف زدگی آمده است، داشته باشیم تا تمامی انسان‌ها

۱. پژوهشگر علوم قرآنی و مدرس حوزه علمیه مشهد

بتوانند از موهبت‌های حق تعالی درست و یکسان استفاده کنند. در این مقاله تلاش شده به ارائه‌ی راهکارهای قرآنی در این زمینه و پاسخگویی به یکی از مسئله‌های مهم روز جامعه بپردازد و در پایان به چند شبهه که در این زمینه ایجاد شده پاسخ دهد.

اسراف در لغت و اصطلاح

اهل لغت و مفسران در توضیح این واژه سخنان و تعبیرات مختلفی آورده‌اند که به نظر می‌رسد جامعترین آنها بیان راغب اصفهانی است. راغب اصفهانی می‌گوید: «السرف تجاوز الحد فی کل فعل یفعله الانسان» اسراف از ریشه «س ر ف» به معنای تجاوز کردن از حد در هر کاری است که از انسان سر بزند. گرچه استعمال آن در موارد زیاد روی در انفاق مال، بیشتر است و گاهی به خروج از اعتدال در مقدار خرج مال و زمانی هم به چگونگی بذل مال و مورد آن اطلاق می‌شود. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۷) کلمه‌ی اسراف کلمه‌ی بسیار جامعی است که هر گونه زیاد روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۷، ص ۱۴۹)

کلمه اسراف برخلاف تبذیر تنها يك واژه اقتصادی نبوده، و کاربرد آن منحصر به امور مالی نیست؛ بلکه این واژه قبل از آن که نشانه‌ی جرمی در امور اقتصادی باشد، بیانگر وضعیت نامناسب و غیر معتدل اخلاقی و فرهنگی شخص و یا جامعه مسرف است و آن حالت تجاوزگری و بی‌اعتنایی به قوانین و حدود شناخته شده شرعی و انسانی است و بر این اساس به کارگیری این واژه در قرآن کریم و دعاهای رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام در مورد تجاوز از مرز شرع و خصلت‌های انسانی و گام نهادن در وادی گناه و معصیت، بسیار است. (آل عمران آیه ۱۴۷ و زمر آیه ۵۳) از این رو کاربرد اقتصادی آن نیز، با توجه به معنای اخلاقی آن که (تجاوز از حد) است توضیح و تفسیر شدنی است و تمام معناهای ذکر شده برای آن، از فروع و مصداق‌های همین معنی می‌باشد؛ پس معنای کلی اسراف

در بسیاری از کتاب‌های اخلاقی خوگیری نفس انسان با صفات برجسته اخلاقی نقطه آغاز حرکت انسان به سمت کمال حقیقی آسمانی به شمار می‌رود که از جمله این صفات برجسته می‌توان به قناعت‌پذیری و قانع بودن به موهبت‌های خداوندی اشاره کرد. در آموزه‌های قرآن و عبرت مساله قناعت و صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف یک مساله تاثیر گذار در جامعه محسوب می‌شود و اهمیت آن به حدی است که این مقوله به عنوان یک فضیلت همواره مورد تشویق قرار گرفته است.

(خروج از حد) است. اما این که این حد، بر اساس چه میزان و معیاری باید سنجیده شود تا ملاک عمل قرار گیرد، موضوعی است که در بحث بعدی بدان خواهیم پرداخت.

معانی اسراف در قرآن

در قرآن کریم واژه‌ی اسراف با مشتقات آن به طور مکرر به کار رفته است. به عنوان نمونه به آیات زیر توجه کنید:

الف) ﴿كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾: (یونس، ۱۲). این گونه برای تجاوزگران آنچه عمل می‌کردند، زینت داده شده است.

ب) ﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾ (شعرا، ۱۵۱). فرمان تجاوزکنندگان را پیروی نکنید.

ج) ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾: (غافر، ۲۸). خداوند تجاوزگر دروغگو را هدایت نمی‌کند.

د) ﴿وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ﴾: (یونس، ۸۳). و به تحقیق فرعون در زمین برتری طلبید و به تحقیق از تجاوز پیشگان بود. در این آیات مقصود از اسراف جنبه‌های اخلاقی، عقیدتی و تجاوز از حدود الهی است، گرچه امور مالی را نیز شامل است ولی آیاتی که تنها ظهور در جنبه‌های اقتصادی، که مورد نظر و بحث ماست، شش آیه است که عبارتند از: آیه ۱۴۱ سوره انعام؛ آیه ۳۱ سوره اعراف؛ آیه ۶۷ سوره فرقان؛ آیه ۶ سوره نساء؛ آیات ۲۶ و ۲۷ سوره اسراء.

می‌توان معانی اسراف در قرآن را اینگونه برشمرد:

- ۱) از حد گذشتن در گناه و نافرمانی: ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ (طه، ۱۲۷) و این گونه جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد! و عذاب آخرت، شدیدتر و پایدارتر است! این معنا در آیاتی مانند: طه، ۱۲۷، مائده، ۳۲، اعراف، ۸۱، یونس، ۱۲ و ۸۳، انبیا، ۹، یس، ۱۹، زمر، ۵۳، غافر، ۲۸ و ۳۸ نیز به کار رفته است.

اسراف در قرآن
کریم تنها به معنای
درست مصرف نکردن
نعمتهای خدادادی
نیست بلکه در امور
مختلفی همچون
خودخواهی و زیاده
خواهی انسان‌ها نیز
بکار رفته است

۲) از حدّ گذشتن در انفاق: چنانچه در آیه «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان، ۶۷) و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند. به این معنی اشاره شده است.

۳) زیاده روی در خوردن یا مصرف آنچه حلال است: اعراف، ۳۱، نساء، ۶، انعام، ۱۴۱. علاوه بر این موارد استعمال اسراف به همراه «فی» نیز استعمال می گردد که در این صورت به دو معنا می تواند باشد.

الف) افراط و زیاده روی در کاری: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا.» و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولیش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است (اسرا، ۳۳)

ب) تفریط و تقصیر در عمل صالح و حق خداوند: «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.»

سخنشان تنها این بود که: «پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان (آل عمران، ۱۴۷) (خرمشاهی ۱۳۷۷ ش، ج ۱: ۲۱۳) اسراف دارای مواردی است از جمله اتلاف مال، اسراف در اموال عمومی، اسراف در منابع طبیعی، اسراف در بیت المال، اسراف در مخارج شخصی و خانوادگی، اسراف در انفاق که بررسی تفصیلی این موارد در قرآن از مجال این مقاله خارج می باشد. قرآن کریم برای جلوگیری از اسراف با تمام انواعی که دارد راهکارهای مناسبی ارائه می نماید که در حقیقت عمل به آنها ما را از مصرف زدگی که مانع پیشرفت و رشد مادی و معنوی است نجات می دهد.

بررسی راه های برون رفت، از نگاه قرآن

الف - میانه روی و اعتدال در امور زندگی

قرآن مجید انسان را به اقتصاد و میانه روی در به کارگیری مال و

کلمه اسراف برخلاف

تبذیر تنها يك واژه

اقتصادی نبوده، و

کاربرد آن منحصر به

امور مالی نیست؛

بلکه این واژه قبل

از آن که نشانه‌ی

جرمی در امور

اقتصادی باشد،

بیانگر وضعیّت

نامناسب و غیرمعتدل

اخلاقی و فرهنگی

شخص و یا جامعه

مسرف است و آن

حالت تجاوزگری و

بی اعتنایی به قوانین

و حدود شناخته شده

شرعی و انسانی

است و بر این اساس

به کارگیری این واژه

در مورد تجاوز از مرز

شرع و خصلت های

انسانی و گام نهادن

در وادی گناه و

معصیت، بسیار

است.

بهره‌برداری از ثروت فرمان می‌دهد، از طرفی صفت بخل را نکوهش و از طرف دیگر اسراف در زندگی را مذمت می‌کند. قرآن در آیات متعدد از بخل و آز، نهی نموده و عواقب زیان بار آن را گوشزد می‌کند و می‌گوید: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (آل عمران، ۱۸۰) (آنان که خداوند از فضل و کرم خویش، نعمت و ثروت فراوان به آنان داده است، از بذل و بخشش خودداری می‌کنند، خیال نکنند که این عمل به سود آن‌هاست بلکه به ضرر آن‌هاست، زیرا همان اموال را به زودی همانند طوقی برگردنشان می‌افکنند و آن چه در آسمان‌ها و زمین است، ملک خاص و ماندگار خداست و خداوند بر اعمال شما آگاه است). در برابر این گروه آیات که انسان را به بذل و بخشش تشویق می‌کند، آیات دیگری نیز وجود دارد که از اسراف و تبذیر نهی کرده، مردم را از مفاسد آن بر حذر می‌دارد و چنین می‌گوید: ﴿وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (انعام، ۱۴۱) و اسراف نکنید زیرا که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

شرع مقدس همان
طور که تشویق
به سعی و تلاش
می‌کند از طرف دیگر
می‌فرماید که جلوی
حرص و آزرا باید
گرفت و تلاش برای
کسب روزی شما را به
فزون طلبی نکشاند.
باید به آنچه که شرع
دستور داده از راه
حلال به دست آورد
و قانع و راضی باشد
و طمع نکند و زیادی
اموال خود را خمس
و زکات و انفاق و...
بدهد.

﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ﴾ (اسرا، ۲۷) اسراف کنندگان برادر شیاطینند. ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا﴾ (اسرا، ۲۹) نه دستت را بر بذل و بخشش ببند و نه آن را بیش از حد بگشای تا مورد سرزنش قرار گیری و از زندگی فرومانی در اسلام همان طور که تجمل‌گرایی افراطی که از آن به تجمل‌پرستی تعبیر شده، مردود است؛ محروم کردن خود از زیبایی‌های پاک و حلال مانند لباس زیبا و مناسب و زیبایی‌های طبیعت و... پسندیده نیست؛ زیرا انسان زیبایی پسند است. امام مجتبی (ع) هنگامی که به نماز برمی‌خاست، بهترین لباس خود را می‌پوشید. پرسیدند: چرا بهترین لباس خود را می‌پوشید؟ فرمودند: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. از این رو من لباس زیبا را برای راز و نیاز با پروردگارم می‌پوشم، همو که دستور داده زینت خود را به هنگام بیرون رفتن به مساجد برگزید.»

زندگی اسرافگرانه علاوه بر اینکه روح عاطفی و انسانی را از بین می برد و انسان را از درد و سوز دیگران بی خبر می سازد، از نظر اقتصادی نیز به شخص مسرف و بلکه به اجتماع آسیب می رساند؛ چرا که سرمایه ها را پایان می بخشد و فرد و جامعه را به نابودی می کشاند. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: «هرکس اعتدال و میانه روی را خوب رعایت نکند، در اثر اسرافگری به نابودی کشیده می شود.» بنابراین راه نجات و موفقیت در اعتدال است و این روش باعث ثبات و بلکه پیشرفت می شود. کسی که آن را ترک کند، بی تردید گرفتار آفت ها می شود و سرانجام به هلاکت معنوی از يك سو و تهی دستی از سوی دیگر دچار خواهد شد.

در جایی دیگر قرآن کریم میانه روی را الگوی مصرف و عامل پایداری خانواده و جامعه معرفی می کند. ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان، ۶۷) و کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند. «قوم» میزانی است که اسلام برای مصرف اموال تعیین فرموده و به معنای حد وسط می باشد. در دو سوی «قوم»، «اسراف» و «تقتیر» قرار دارد که هر دو ممنوع است. به این معنا که انسان در مصرف نعمتهای الهی، نه مجاز است، بر خود و خانواده اش چنان سخت بگیرد، که زندگی، دشوار و تحمل ناپذیر شود و نه حق دارد در مصارف خود، مرتکب اسراف و تبذیر گردد. «قوم» به معنای حد وسط و اعتدال است. رعایت اعتدال در اقتصاد خانواده برای افراد و جوامع دو آرمان مهم دارد: بشر را از بزرگترین رنج تاریخی او که مسئله معیشت و غصه تأمین مایحتاج زندگی است، نجات می دهد. همچنین جامعه و فرد را از عوارض شوم فقر که سوء اخلاق و فساد و فحشا و حتی کفر و بی دینی است، محفوظ نگه می دارد.

ب - قناعت و صرفه جویی

از نظر لغوی: به معنای اکتفا کردن به اندک از آنچه مورد نیاز انسان است. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۱۳) به معنای زیاد دیگری نیز آمده است:

قناعت: رضایت به کم و حسن تدبیر معاش است بدون دوست داشتن زیاده از حد زندگانی و اعتدال و میانه روی نیز می باشد. قناعت با موضوعاتی از جمله رزق، تلاش، حرص و طمع و تقدیر و سرنوشت نیز ارتباط دارد. دین مبین اسلام فرد را برای بدست آوردن رزق و روزی خود ترغیب به تلاش و سعی می کند. از طرفی فرموده است خداوند روزی همه مخلوقات را بر عهده دارد و روزی همه جنبندگان را خداوند می رساند.

راضی شدن به اندازه نیاز بسنده کردن و صرف کردن. زیاده طلبی نداشتن در خرج و صرف مال و هر چیزی اندازه نگه داشتن و... و همچنین به معانی صرفه جویی، روحیه بی نیازی، حرص و طمع نداشتن و ضد اسراف کاری می باشد.

در اصطلاح شرعی: صفتی است که با تکرار و تمرین در انسان بصورت ملکه ای درمی آید که باعث خشنودی و راضی شدن به چیز کم و نگه داشتن نفس از زاده خواهی می شود. شرع مقدس حد و حدود هر چیزی را در مصرف شخص معین کرده است. باید توجه داشت که بیشتر از آن حدی که معین شده و بیشتر از حد لزوم صرف و خرج نشود. به بیان دیگر می توان گفت: قناعت: رضایت به کم و حسن تدبیر معاش است بدون دوست داشتن زیاده از حد زندگانی و اعتدال و میانه روی نیز می باشد. قناعت با موضوعاتی از جمله رزق، تلاش، حرص و طمع و تقدیر و سرنوشت نیز ارتباط دارد. دین مبین اسلام فرد را برای بدست آوردن رزق و روزی خود ترغیب به تلاش و سعی می کنند. از طرفی فرموده است خداوند روزی همه مخلوقات را بر عهده دارد و روزی همه جنبندگان را خداوند می رساند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْءًا كَبِيرًا». فرزندانان را از ترس گرسنگی نکشید ما روزی آنها و شما را می دهیم. (اسراء، ۳۱) خداوند متعال می فرماید «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» به راستی خداوند تنها روزی دهنده صاحب قوت و قدرت است. (ذاریات، ۵۸)

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: (روزی شما را خداوند ضمانت کرده است و شما مامور به عمل هستید. (صبحی، ۱۴۱۵، خطبه ۱۱۴) شرع مقدس همان طور که تشویق به سعی و تلاش می کند از طرف دیگر می فرماید که جلوی حرص و آز را باید گرفت و تلاش برای کسب روزی شما را به فزون طلبی نکشاند. باید به آنچه که شرع دستور داده از راه حلال به دست آورد و قانع و راضی باشد و طمع نکند و زیادی اموال خود را خمس و زکات و انفاق و... بدهد.

صرفه جویی و قناعت در زندگی و هزینه های مختلف، مایه آرامش روحی و روانی است و کسی که آن را سرلوحه زندگی خود قرار می دهد، از فقر و بدبختی نجات می یابد و شرافت و عزت اجتماعی و رضایت و خشنودی الهی را به دست می آورد. اندازه گیری در مخارج نسبت به درآمد براساس ضرورت ها و پس انداز مقداری از مازاد مصرف، بنیان خانواده را تا حد زیادی در مقابله با خطرات محافظت خواهد نمود.

و کسی نمی‌تواند بگوید چون خداوند روزی من را مقدر کرده و برایم می‌فرستد پس من تلاش نکنم. نه این طور نیست تضمین روزی بدان معنی نیست که هر کس در خانه اش بنشیند تا روزی او را به درخانه اش بیاورند یا از آسمان برای او مائده نازل می‌کنند. بلکه مقصود این است که در عالم طبیعت، منابع تامین کننده روزی جانداران پیش بینی شده است. همان طوری که خداوند روزی نوزادی که به دنیا می‌آید در پستان مادر قرار داده است. و دیگر اینکه اگر کسی بگوید روزی من بیشتر از این نمی‌شود و سرنوشت و تقدیر من این است پس تلاش من چه فایده‌ای دارد؟ در جواب می‌گوییم انسان باید تلاش خود را انجام دهد و خداوند به اندازه تلاش او به او روزی می‌دهد و بیشتر از آن حدی که خداوند تکلیف کرده از او نمی‌خواهد. چنانچه که در قرآن فرموده است:

﴿وَإِنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم، ۳۹) برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. و چشم طمع به مال دیگران نداشته باشد و به بالا دست خود نگاه نکند. اگر به بالاتر از خودش بنگرد گرفتار طمع می‌شود و شیطان در این موقع او را متوجه دنیا و متاع دنیا می‌کند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْثِنَّهُمْ فِيهِ وَرِزْقًا رِّبَكِ خَيْرٌ وَأَقْبَىٰ﴾. هرگز چشم خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی از مردم داده ایم می‌فکن که اینها شکوفه‌های زندگی دنیا است و برای آن است که آنان را با این بیازماییم و روزی پروردگارت پایدار است. (طه، ۱۳۱)

صرفه جویی و قناعت در زندگی و هزینه‌های مختلف، مایه آرامش روحی و روانی است و کسی که آن را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهد، از فقر و بدبختی نجات می‌یابد و شرافت و عزت اجتماعی و رضایت و خشنودی الهی را به دست می‌آورد. اندازه‌گیری در مخارج نسبت به درآمد براساس ضرورت‌ها و پس انداز مقداری از مازاد مصرف، بنیان خانواده را تا حد زیادی در مقابله با خطرات محافظت خواهد نمود. اسراف برهم زنده تعادل و موازنه بین دخل و خرج و نیز نابودکننده

در جامعه

اسلامی قابل قبول نیست که افراد آن با وجود برخورداری از فرهنگ غنی و پر بار اسلامی، که در هر زمینه و نیز در این مورد بهترین تعالیم و راهنمایی‌ها را در خود دارد، از برخی جوامع که از داشتن آن محرومند و صرفاً ملاحظات مادی آنان را به صرفه جویی و پرهیز از اسراف واداشته است، عقب بمانند؛ بلکه باید با بهره‌گیری از این تعلیمات، در این زمینه خود الگوی سایر جوامع باشند.

توانایی مالی زندگی و ضایع سازی ثروت و امکانات حیات است و حال آنکه قناعت عامل عزت، بی نیازی، خودکفایی، آرامش روحی و رضایت ابدی است.» خوشا به حال کسی که به یاد رستاخیز بوده و با عمل نیک، خود را برای محاسبه آماده می سازد، و به آنچه خداوند روزی می دهد قناعت نموده، از خدا راضی می باشد.»

ج - شناخت شیوه های صحیح مصرف

شناخت شیوه های صحیح مصرف و رعایت آن و قدرت تشخیص ضرورتها و اولویت ها بر مصارف و نیازهایی که در ردیف بعدی از نظر اهمیت قرار دارند و نیز آشنایی راه های صحیح استفاده از سرمایه و ابزار کار و لوازم زندگی، از مسائل بسیار مهمی است که به نظر نگارنده باید در سطحی وسیع، جامعه را در تمامی این زمینه ها به وسیله کارشناسان امور مختلف، آموزش داد.

در جامعه اسلامی قابل قبول نیست که افراد آن با وجود برخورداری از فرهنگ غنی و پر بار اسلامی، که در هر زمینه و نیز در این مورد بهترین تعالیم و راهنمایی ها را در خود دارد، از برخی جوامع که از داشتن آن محرومند و صرفاً ملاحظات مادی آنان را به صرفه جویی و پرهیز از اسراف واداشته است، عقب بمانند؛ بلکه باید با بهره گیری از این تعلیمات، در این زمینه خود الگوی سایر جوامع باشند. برای نمونه به این گزارش توجه کنید: اصطلاح (موتای نای) یک روح قناعت و صرفه جویی به ژاپنی ها داده است و آنان را بر آن داشته است که، حد اکثر استفاده را از امکانات موجود خود بنمایند. از موارد خاص صرفه جویی ژاپنی ها، در مصرف کاغذ است. در ژاپن، هیچ وقت کتاب ها و روزنامه های خوانده شده به همراه زباله دور ریخته نمی شود... این در حالی است که ژاپن، دومین کشور دنیا از نظر تولید کاغذ است و بیشتر کاغذ های تولیدی اش از طریق تولید مجدد به دست می آید... در ژاپن، از زباله های فلزی پس از جمع آوری استفاده مجدد به عمل می آید... نکته دیگر که در زندگی آنان حایز اهمیت است، صرفه جویی در مصرف انرژی است. آنان، سعی می کنند

شرع مقدس حد و حدود هر چیزی را در مصرف شخص معین کرده است. باید توجه داشت که بیشتر از آن حدی که معین شده و بیشتر از حد لزوم صرف و خرج نشود. به بیان دیگر می توان گفت: قناعت: رضایت به کم و حسن تدبیر معاش است بدون دوست داشتن زیاده از حد زندگانی و اعتدال و میانه روی نیز می باشد.

به جای گرم کردن محوطه خانه، فقط اعضای بدن افراد خانه را گرم نمایند تا انرژی حرارتی کمتری مصرف شود. از این روی، از سیستم‌های بزرگ و پرخرج تهویه مرکزی در خانه‌های مسکونی کمتر دیده می‌شود. و در همین زمینه می‌توان از کیسه‌های شنی کوچک انفرادی، که در جهت گرم نگه داشتن اعضای بدن در زمستان مورد استفاده قرار می‌گیرد، نام برد.... ژاپنی‌ها، برای صرفه جویی در مصرف انرژی، هیچ وقت پس از خوابیدن، بخاری و یا وسیله گرم کننده داخل خانه خود را روشن نگه نمی‌دارند، بلکه در شب‌های سرد برای گرم شدن، از لحاف و روانداز بیشتر استفاده می‌کنند. (مجله صف، شماره ۳۲)

امیرالمؤمنین علیه السلام به مسلمان‌ها توصیه می‌فرماید: (اللَّهُ اللهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يُسَبِّحُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ) (صبحی ۱۴۱۵ ق، نامه ۱۴۷) از خدا بترسید و او را درباره قرآن رعایت کنید نکند دیگران در عمل بدان از شما پیشی بگیرند! در حالی که قرآن کریم بیش از بیست بار، از اسراف و تبذیر، نکوهش و یا نهی فرموده است و عواقب زشت و زیانبار آن را به صورت‌های مختلف گوشزد نموده است. جایگاه فرهنگ مصرف، در مکتب اهل بیت علیهم السلام از مناجات حضرت امام زین العابدین علیه السلام با خداوند به خوبی نمایان است. آن حضرت در یکی از بخش‌های دعاهای خود عرض می‌کند (اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْجُبْنِي عَنِ السَّرْفِ وَاهْزُدِيَا، وَقَوْمِي بِالْبَذْلِ وَاهْتِصَادٍ، وَعَافِنِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ، وَأَقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبْذِيرِ)؛ (فهری، ۱۳۷۵ ش، دعای ۳۰) پروردگارا! بر محمد و آل او درود فرست و پرده‌ای بین من و اسراف و افزون طلبی حایل کن و با در پیش گرفتن انفاق و میانه روی، به زندگی من قوام بخش و راه‌های صحیح مصرف و اندازه گیری در معیشت را به من تعلیم فرما و به لطف خود مرا از ارتکاب تبذیر بر کنار دار.

د - توجه عملی به نمونه‌ی عینی از الگوی مصرف

نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام بالاترین نمونه‌های عینی الگوی مصرف در اسلامند. آن بزرگواران، همواره کناره گیری راهبانه از لذات

خداوند عهده دار
تأمین نیازمندی‌های
موجودات روزی
خوار خود، از جمله
انسان گردیده است،
بدین سبب طبیعت
و زمین را مخزن
تأمین مواد غذایی
و امکانات زندگی
قرار داده و راه‌های
استفاده و بهره‌وری
از آن را به مخلوقات
خویش آموخته،
از این طریق هر
موجودی را به سوی
تأمین نیازمندی‌های
خویش رهبری
می‌کند؛ اما در
خصوص انسان این
تعهد را در مجموعه
نظام تکوین و تشریح
به انجام می‌رساند.

مشروع را محکوم می‌کردند و خود نیز هیچ‌گاه به رهبانیت روی نیاوردند. گر چه برخی از آنان مانند امیرالمؤمنین علیه السلام، به دلیل مناسبت‌های اجتماعی و یا حکومتی، از بسیاری بهره‌وری‌های مادی به شدت کناره می‌گرفتند؛ ولی در همان حال به دیگران توصیه می‌کردند که این تکلیف شما نیست و فرمان استفاده به حق و مشروع از نعمت‌های الهی را صادر می‌نمودند. از طرفی آن حضرات، در قناعت و مناعت نفس در بالاترین درجه خود بودند و نیز بیشترین حساسیت و دقت را در مورد رعایت اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر در زندگی و مشی اقتصادی خود داشته‌اند به گونه‌ای که مثلاً حضرت صادق علیه السلام با آن شخصیت و بزرگواری، آنچه از سفره و یا ظرف غذا می‌افتاد، برداشته می‌خوردند و دیگران را نیز بدان توصیه می‌کردند و می‌فرمودند: (این عمل فقرا برطرف می‌کند). (حرعاملی ۱۳۹۱ق، ج ۱۶: ۶۰۵) اکنون در این زمینه به يك نمونه اشاره می‌کنیم. محدث قمی (علیه الرحمة) نقل می‌کند: روزی یکی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام بر آن حضرت وارد شد. دید آن حضرت پیراهنی پوشیده است که گریبان آن را وصله زده‌اند. آن مرد پیوسته نظرش بر آن پینه بود و گویا از پیراهنی که حضرت پوشیده، تعجب کرده بود. حضرت فرمود: تو را چه شده که نگاهت را به من دوخته‌ای! گفت: نظرم به پینه‌ای است که در گریبان شماست. فرمود: این کتاب را بردار و آن چیزی را که در آن نوشته است، بخوان! آن مرد کتابی را که در مقابل و یا نزدیک حضرت بود، برداشت و در آن نظر انداخت، دید در آن نوشته است: (لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ وَلَا مَالٌ لِمَنْ لَا تَقْدِيرَ لَهُ وَلَا جَدِيدَ لِمَنْ لَا خَلْقَ لَهُ)؛ ایمان ندارد کسی که حیا ندارد و از ثروت بی بهره است کسی که در معاش خود تقدیر و اندازه ندارد و نو ندارد کسی که کهنه ندارد. (قمی ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۱۲۷)

شبهه‌ی تسلط بر اموال

گفته شده: خداوند به هر کس که مالی در اختیارش نهاده، اجازه داده است تا هر تصرفی بخواهد در مال خود بنماید. و نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که: (إِنَّ النَّاسَ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: می‌نماید

اسراف از این جهت
که عملی برخلاف
تقوا و ناشی از ستم
پیشگی انسان
است، گذشته از این
که موجب نابودی
امکانات زندگی و
استمرار محرومیت
نیازمندان است،

زمینه غضب خداوند
و نیز سلب نعمت از
فرد و جامعه را فراهم
می‌نماید

(۲۷۲)؛ مردم بر هر گونه تصرفی در اموال خویش آزادند. در این صورت، آیا منع صاحب مال از تصرف اتلافی و محدود نمودن او منافات با این اصل مسلم نخواهد داشت.

در پاسخ باید اینگونه جواب داد که ذکر تسلط در این حدیث شریف بدون هیچ گونه قیدی که مثلاً در چه مواردی این سلطه هست، با این که نبی اکرم ﷺ درصدد بیان تمامی اقسام و انواع سلطه هاست، سرمنشأ دلالت روایت بر جمیع تصرفات؛ حتی تصرف اتلافی شده در صورتی که این حدیث قطعاً مقید به مواردی است؛ مانند موضوعاتی که حضرت صادق علیه السلام در روایتی به عنوان تصرفات حرام بیان فرموده؛ مثل ربا، خرید و فروش مردار و خون و گوشت خوک و حیوانات و پرندگان وحشی و همچنین خرید و فروش شراب و عین نجس و هر آلت و وسیله لهو و یا هر تصرفی که موجب تقویت کفر و باطل و سستی حق شود (ابن شعبه، ۱۳۸۲ق: ۲۴۷) که مسلماً انسان حق ندارد در این گونه موارد به تصرف دلخواه در مال خود دست بزند و از موارد استثنا در این روایت نبوی صلی الله علیه و آله همین تصرفات اتلافی و نیز سایر انواع اسراف است.

شبهه‌ی اسراف و روزی

گفته می‌شود: خداوند متکفل روزی بندگان خویش است، که در این صورت اسراف و عدم آن، چه تأثیری در گرسنگی و یاسیری انسانها خواهد داشت. در پاسخ می‌گوییم: خداوند عهده دار تأمین نیازمندی‌های موجودات روزی خوار خود، از جمله انسان گردیده است، بدین سبب طبیعت و زمین را مخزن تأمین مواد غذایی و امکانات زندگی قرار داده و راه‌های استفاده و بهره‌وری از آن را به مخلوقات خویش آموخته، از این طریق هر موجودی را به سوی تأمین نیازمندی‌های خویش رهبری می‌کند؛ اما در خصوص انسان این تعهد را در مجموعه نظام تکوین و تشریح به انجام می‌رساند. به عبارت دیگر، خداوند متعهد شده تا روزی رسان تمامی افراد بشر باشد و آن را از طریق سه اصل اساسی تضمین فرموده است:

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید. همانا خداوند اسرافگران را دوست نمی‌دارد. از آن جایی که اسراف به معنای (تجاوز از حد) است، نهی آیه کریمه از اسراف، تمام شکل‌ها و صورتهای آن، از جمله زیاده‌طلبی و افزون‌خواهی در مصرف را نیز، که خلاف قناعت است، شامل می‌شود.

۱. با به ودیعت گذاردن منابع بی شمار مواد حیاتی در دل طبیعت و قابلیت بخشیدن تسخیر و بهره‌وری از آن.

۲. دادن نیروی فکری و جسمی و قوه اراده به انسان برای تسخیر و استفاده از این منابع.

۳. با ملزم نمودن او برای ایجاد جامعه‌ای سالم با روابط اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی عادلانه به گونه‌ای که از ضایع شدن حق انسانی به دست انسانی دیگر جلوگیری به عمل آید تا نعمت‌های خدادادی به وسیله گروهی به زیان گروهی دیگر نابود نشود. پس در حقیقت مالی که به دست جامعه و یا انسان اسراف پیشه به نابودی کشیده می‌شود، حق انسان‌های گرسنه و درمانده‌ای است که به گروهی ناپرهیزگار آن را پایمال می‌کنند.

نکته‌ای که در این مورد لازم به توضیح است، به هم پیوستگی و ارتباط موجود بین این سه اصل است؛ زیرا نبود هر یک از آنها کافی است، تا جریان روزی را دچار اختلال سازد؛ حتی فساد هر کدام ممکن است در دیگری هم تأثیر بگذارد و آن را نیز از اثر انداخته، یا کم اثر نماید؛ به عنوان مثال در جامعه‌ای که تقوا و عدالت از آن رخت بر بندد، و اسراف و حق‌کشی در آن رایج شود، طبیعت نیز از دادن امکانات کامل خویش به فرمان الهی دریغ خواهد کرد.

بر طبق روایات رسیده از حضرات معصومین علیهم‌السلام یکی از مهمترین عوامل کمبود برکات زمین، نپرداختن حق زکات یعنی در واقع همان روزی فقرا و تهیدستان است که خداوند آن را در اموال صاحبان ثروت قرار داده است. در حدیث معتبری حضرت امام باقر علیه‌السلام فرمودند: در کتاب علی علیه‌السلام یافتیم که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است هر گاه از دادن زکات خودداری شود، زمین نیز برکات خویش را دریغ می‌نماید. (حرعاملی ۱۳۹۱، ج ۶، باب ۳).

به گفته سعدی: زکات مال به در کن که فضله رزرا چو باغبان بزند
بیشتر دهد انگور.

قرآن کریم مسلمانان

را از اسراف و تبذیر

و تجمل‌گرایی

در مصرف بر حذر

می‌دارد و آنها را به

اعتدال و رعایت میانه

روی در استفاده از

نعمت‌های خداوند،

شناخت شیوه‌های

صحیح مصرف،

صرفه‌جویی و قناعت

دعوت می‌کند.

چکیده سخن این

که، الگوی نظری

اسلام در باب

مصرف، این آیه

کریمه است: «وَكُلُوا وَ

اشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا

يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

البته جریان این قانون در صورتی است که احکام شرعی ابلاغ شده باشد و مانعی هم برای انجام دادن آن، بر سر راه نباشد و جهاتی نیز از قبیل استدراج و تنعم تدریجی سبب هلاکت ناگهانی و دادن مهلت برای امتحان بیشتر در میان نباشد. از سوی دیگر، در جامعه‌ای که در آن عدالت و تقوا و نظامی مبتنی بر رعایت حقوق ضعفا حاکم باشد، طبیعت نیز به فرمان خدا سفره نعمتش را می‌گسترده و با آن جامعه، همسویی خواهد کرد.

در این باره قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف ۹۶) اگر مردم آن قریه‌ها که به هلاکت ابدی دچار گردیدند، اهل ایمان و تقوا بودند، برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم؛ ولی آنها پیام رسولان را تکذیب نمودند و ما نیز آنها را به دلیل کردار زشتشان، گرفتار عذاب خویش ساختیم. در این خصوص، آیات دیگری هم وجود دارد که در آنها تقوا و عمل به دستوره‌های الهی، وسیله فراگیر شدن روزی و افزایش نعمت‌ها شمرده شده، که در این جا مجالی برای ذکر آنها نیست. (مائده آیه ۶۷، هود آیه ۵۲)

بر این اساس، اسراف از این جهت که عملی برخلاف تقوا و ناشی از ستم پیشگی انسان است، گذشته از این که موجب نابودی امکانات زندگی و استمرار محرومیت نیازمندان است، زمینه غضب خداوند و نیز سلب نعمت از فرد و جامعه را فراهم می‌نماید. امام صادق علیه السلام فرمود: (إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبَرَكَاتِ)؛ (حر عاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۵: ۲۶۱) همانا اسراف همراه با کاهش و کمبود برکت در نعمت‌های الهی است.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم مسلمانان را از اسراف و تبذیر و تجمل‌گرایی در مصرف بر حذر می‌دارد و آنها را به اعتدال و رعایت میانه روی در استفاده از نعمت‌های خداوند، شناخت شیوه‌های صحیح مصرف، صرفه‌جویی و قناعت دعوت می‌کند. چکیده سخن این که، الگوی نظری اسلام در باب مصرف، این آیه کریمه است: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف، ۳۱) بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید. همانا خداوند اسرافگران را دوست نمی‌دارد. از آن جایی که اسراف به معنای (تجاوز از حد) است، نهی آیه کریمه از اسراف، تمام شکل‌ها و صورتهای آن، از جمله زیاده‌طلبی و افزون‌خواهی در مصرف را نیز، که خلاف قناعت است، شامل می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم
 ۲. ابن شعبه، حسن ابن علی، تحف العقول، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲ ق
 ۳. حرعاملی، محمدابن حسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۱ ق، بی جا، ج ۱۵
 ۴. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، انتشارات دوستان و انتشارات ناهید، ۱۳۷۷ ش، چاپ اول
- ج ۱
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، (سرف). تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق-بیروت، دارالعلم، الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق-چاپ اول
 ۶. قمی، عباس، سفینه البحار، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱
 ۷. قمی، عباس، منتهی الآمال، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق، بی جا، ج ۲
 ۸. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۶
 ۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول، ج ۶
 ۱۰. خانی، رضا / ریاضی، حشمت الله، ترجمه بیان السعاده فی مقامات العبادة، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲ ش، ج ۱
 ۱۱. صدوق، أبو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، أمالی، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسۀ البعثۀ، ۱۴۱۷
 ۱۲. کلینی، محمد ابن یعقوب، فروع کافی، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۷ ش، بی جا، ج ۴
 ۱۳. نراقی، ملا احمد، عوائد الایام، قم، انتشارات بصیرتی، بی تا
 ۱۴. تحقیق صبحی، صالح، نهج البلاغه، تهران، دارالاسوه، ۱۴۱۵ ق، نامه ۲۶.
 ۱۵. طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان، قم، مکتب آیت الله مرعشی نجفی

